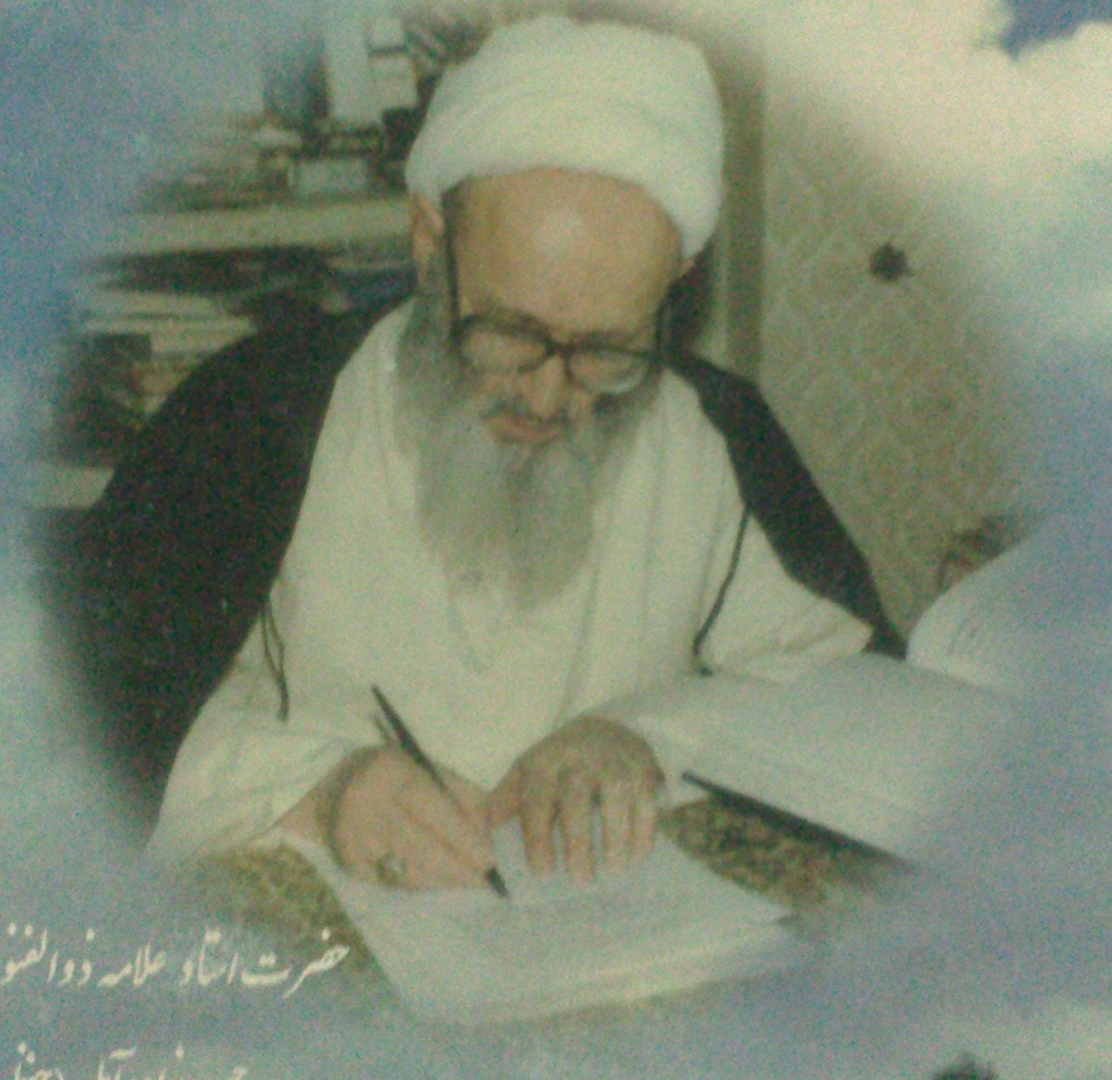




ضياء فتحانه فيض



حضرت اساتذ علامه ذوالفقون نجم الدين
من زاوه آملی (خطه الله)

بہ اقلیم مبارک

حضرت حجت الاسلام و المسلمین

شہید کبر درویشی



ندای تَعَالُوا شَهِیدان

به

صیافتخانه فیض

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

علی اندر غزا بودی ندایش حروف منفصل اندر رعایش

ندامیگر به که بیعص به جمعیق آن قطب عباد
از دیوان علامه حسن زاده آملی ص ۳۵۹

حضرت مولی الموالی علی وصی عالی اعلی امیر المؤمنین علیه السلام بدین صورت به

جنگ بادشمن آغازی فرمود: «یا کھیعص یا جمعیق لأحول ولا قوۃ إلا بالله»

از این کمترین خواسته شد تا تحفه ای عُقر راه باز دید کننده گان مناطق جنگی وره

پویان طریق پر مخاطره عشق، سالکان راه شهیدان نمایم شاید مشتاقان را

در پیمودن راه خودسازی و وصول به غایت قصوای انسانی بکار آید.

شهیدان اهل الله صاحبان درد بودند که با سوز و گداز و چشمی پر از امید و اشک و قلبی

آکنده از نور ولایت حضرت وصی امیر عالم و آدم به دیدار جمال رخ بی مثال دوست

و ستر یار شتافتند که نه با پای بلکه با جدول و جودیشان به بحر لایتناهی «هو» اتصال یافتند

که دیده رایه دیدار جمال و دل رایه لقای ذوالجمال اولزت داده اند و همانند مرکز عالم

وجود، و نقطه دایره ازل و ابد، و فاتحه مصحف کتاب شهادت، و مقصد عشاق

(۱) عُقر یعنی سوغاتی



مقدس از شین یعنی **أبا عبد الله الحسين** السلام عليه

نور ذات الهی را به تماشا و شهود نشسته اند. لذا همانند مرغ اسحر،
تاج عزت بر سر گذاشته و سر به پای او نهادند و عبد مسکین او شدند. آن
راست قامتان چون در سر خود مرآت مجلو یارند، حقایق در جانها متمثل شده
است که غیورانه آن اسرار را در کما جان نهادند و با آب حیات عشق لوح دل را
شسته اند تا پرتو «الله نور» در آن فروزان گشت و در صحبای ولاء به خال
و حد رسیدند و آرام و خاموش شدند تا در آرامش زلف او به لذت خال و حد
کام جا یافتند و گویند:

ما نیم و رخ یار دل آرام و در گریح صل ما راست همین جا ایام و در گریح

شهیدان مبهوت جلالت و مجذوب جمال لذا هم صامتند و هم ناطق.

خلاصه آنکه: شهیدان عین حضور و شهودند.

به مثل اگر مانند قرآن کتابی در شهادت نازل بشود، سوره فاتحه آن کتاب

شهادت، شهادت جناب سید الشهداء السلام عليه است. حضرت علامه حسن زاده آملی

ندای «تعالوا» از شهیدان

آیا راه وصول به شهادت که همان حضور و مراقبت است
برای هر مشتاقی باز است یا نه؟ در جواب عرض می‌کنم که ای عزیز همه شاهدان
تاریخ و نیز همه انبیای عظام و اوصیای کرام ما را با ندای تعالوا یعنی بالا بیایند
به مقام خود دعوت نموده اند و راه وصول به تجلیات ذاتی و اسمائی حق تعالی را باز دانسته اند
که اگر ما را لیاقت و شایستگی به آن مقامات و درجات والای انسانی نبود دعوت
ما بسوی آن عبث بود و حاشا که سفرای الهی دعوت به گزاف نمایند پس ای برادر و
خواهر و ای طالب طریق سعادت و ای تشنه آب زلال کوثر انسانی بدان که:
تشنه بسو آب و خود تشنه تشنه است آب خدا گدا گدا کند خدا کند
یعنی اول آب به دنبال تشنه با تشنگی می‌گردد سپس تشنه آب طلب می‌کند پس اول خدا
ب دنبال گدا می‌گردد که جود و وجود اقتضای فقیر دارد بعد گدا خدا گدا می‌کند. پس ای
عزیز از تو حرکت و از خدا برکت.

حقیقت برو و بگو آمدم، اگر گفتند اینجا چرا آمدی بگو بجا روم و بگدام در رو کنم، اگر
گفتند به اذن کی آمدی بگو شنیدم

برضیا فتحانه فیض نوالت منع نیست در گشاده است و صلا در داده خواندند

اگر گفتند تا بحال کجا بودی؟ بگو راه گم کرده بودم. اگر گفتند چی آوردی؟ بگو:

اولاً دل شکسته که از شما نقل است

در کوی ما شکسته دلی می‌خرند و بس بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است

و ثانیاً

جزنداری نبود مایه دارایی من طبع نخستم از درگاه سلطان است

و ثالثاً: الهی آفریدی رایگان، روزی داری رایگان بیامرز رایگان

تو خدایی نه بازرگان. اگر گفتند برونش کنید بگو:

غیروم ز دیار شما بکشور دیگر برون کنید از این در درآیم از در دیگر
اگر گفتند این جرأت را از که آموختی بگو از جلم شما. اگر گفتند قابلیت استفاضه
نداری بگو قابلیت را هم شما افاضه می فرمائید. باز اگر از تو اعراض نمودند بگو:

به والله به بالله به تالله بحق آیه نصر من الله

که مواز دامن دست بر ندریم اگر کشته شوم الحکم الله

اگر گفتند مذنبی بگو اولاً شنیدم شما غفارید و ثانیاً من ملک نیستم آدم زاده ام

و ثالثاً: ناکرده گنه در این جا کیست بگو آنکس که گنه نکرده و زیست بگو

من بدکم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست بگو

اگر گفتند این حرفها را از کجا یاد گرفتی بگو:

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود اینهمه قول و غزل تعبیه در منقارش

اگر گفتند چه می خواهی بگو:

جز تو ما را هوای دیگر نیست جز لقای تو هیچ در سر نیست

آنچه نوشیدی جرعه ای از کوثر معنویت حضرت عارف و اصل علاء حسن زاده آملی بود پس

ای عزیز تو هم با این چهار اصل یعنی حضور و ادب و همت و طلب دست از دامن حق

و شهیدان راه دوست برندار و نگو که فقط همان ایام دفاع مقدس بود و تمام شد بلکه

به مضمون بیان عرشی حضرت مقام عزیز و جبراً آیه الله معظم خامنه ای کیبر مد ظله العالی

اگر امریکاراه جنگ در پیش گیرد بداند که واقعه صلح امام حسن علیه السلام تکرار نخواهد شد بلکه

حادثه که بلا اتفاق خواهد افتاد که به فرموده

حضرت امام راحل : ملت ما ملت شهادت است .

ای عزیز عمده حضور و مراقبت است که کلید و مفتاح همه فتوحات

معنوی و شهودات قلبی و القادات سبوحی و تمثلات ملکوتی است و برای

بدست آوردن آن باید راه معرفت نفس و طهارت و ادب با خدا و توحید صمدی قرآنی

را طی کنی تا کام دل گیری و بدان که راه نبوت انبائی و عصمت و طهارت باز است و گرنه

خلقت تان عبث می شد . اسی سالکان کوی یار بدان که درجات بهشت به عدد

آیات قرآن است پس بخوان و بالا برو . و تو را مقام محمود است که اگر سحر و

سحر شوی در تاریکی بزمین آب حیات انسانی دست یابی .

صمت و جوع و سحر و خلوت و ذکر به دوام نا تمامان جهان را کند این پنج تمام

واجبات را انجام ده و از محرمات اجتناب کن و کسب حلال داشته باش تا فرقان

حق از باطل پیدا کنی ، اسی جوان سرمایه عمر را مفتنم بشمار و تو ای خواهر گرامی چادر

فاطمه زهرا علیها السلام را حفظ کن تا در نزد شهیدان روسفید باشی . اسی عزیز دست

توسل به ذیل ولایت ائمه اطهار علیهم السلام بخصوص حضرت قائم آل محمد بقیة الله محمد

هادی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باش که تا خودت از غیبت به در آوری و شاهد

آن شاهد مشهود علی الاطلاق باشی . به تعبیر خضر راه حسن زاده آملی :

چگونه غایبش خوانی و دورش نبینی خویشتن را در حضورش

تویی غایب که دوری در بر روی نهادی نام خود را بر سر وی

سبیل بر دیدگانت گشته چیره که خورشید است در چشم تو تیره

حسن با دای خاک پایش که باشد خاک پایش تو تپایش

بازدید از مناطق جنگی همانند قتلگاه

شهیدان هویزه و شلمچه، و بوفلفل و فاو و سوسنگرد

دهلاویه و چذابه و هورالعظیم و دهلران و موسیان و چیلات

وفکه و پادگان حمید و دشت آزادگان و بوستان و مناطق عملیاتی جنوب

و غرب نه تنها مایه یأس و ناامیدی نیست بلکه موجب ارتقای وجودی برای

درجات عالی و تصمیم برای وصول به مقامات شهیدان است. پس ای عزیز

از شهیدان استمداد کن و دامن سالار شهیدان ابا عبد الله الحسین علیه السلام

را بگیر تا در کاروان قافلہ انسانی حضرت بقیة الله قرارگیری و بگو

صباگو آن امیر کاروان را مراعاتی کند این ناتوان را

رَه دور است و باریک ^{ست} او تاریک بدوشم می کشم بارگران را

راه باز است و درگشاده است و صداهم در داده اند که سفره پرمانده الهی

هم گسترده است و ضیا فتخانه دوست مهمان طلب می کند لذا خویشتن

را تضعیف روحیه نکن زیرا انسان آفریده شدی و غذای تو آسمانی ^{ست}

و آسمانیان هم در انتظار مقدمت بسر می برند که فقط جان را عُقر و سوغا کن که:

تخف جان را چو سازی عُقر راه ^{قرب} دوست را یابی به انواع عطایا و تخف

برادر و خواهر عزیز تن خسته و دهان بسته و دل شکسته داشته باش و در مسیر راه

ولایت باش که :

تا صاحب رتبه رضایی ایدل

تا مست ز صهبای ولایی ایدل

خوش باش سنگر خدایی ایدل

تا هدم مصحف و دعایی ایدل

شب شنبه ۱۴/۱۲/۸۰ = ۲۰ ذی حجه ۱۴۲۲ - قم المقدسه (داود صمدی آملی)

وَاسْتَلْتُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْقِيَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هَدَى ظَاهِرِي
 نَاطِقِي بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْتَلُّ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ
 أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابَا بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيئَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي
 جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةُ
 وَمَغْفِرَةُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَحْيَايَ نَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ
 هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكْتَ بِهِ بِنِوَامِيَّةٍ وَابْنِ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ
 نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعْوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعْوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنَكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَهَذَا
 يَوْمٌ فَرِحْتَ بِهِ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ
 عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا
 وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبِرَّانَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ وَبِالْمَوَالِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمْ وَوَعْدِ
 السَّلَامِ بِسِوَا مَرْتَبَةِ مِي كُوبِي: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ
 عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ
 اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا بِسِوَا مَرْتَبَةِ مِي كُوبِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ
 بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَثُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
 لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 بِسِوَا مَرْتَبَةِ مِي كُوبِي: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوْلَاثُمُ الثَّانِي وَالثَّالِثَ
 وَالرَّابِعَ اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا وَالْعَنْ عُيَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشُمْرًا
 وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِسِوَا مَرْتَبَةِ مِي كُوبِي: اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِيهِمُ الْمَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيئَتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ
 الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَمِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شما قنبر دین و رهبر باشید ؛
شما قنبر دین خدا باشید ، ما از شما خیلی توقعات
داریم و باید داشته باشیم ، بنده و جناب عالی
باید قنبر مقام ولایت باشیم ، خودمان را فدای
مقام ولایت کنیم این تکلیفمان است
وظیفه مان اینطور حکم می کند ، شما خدای
ناخواسته اگر خودتان را مخفی نمانید و کنار
بکشید همانی می شود که :

بمهر درخشنده چوپنهان شور

شب پره بازیگر میدان شور

از حضرت علامه حسن زاده آملی ۷۹،۷/۱۱

در جمع هیئت رزمندگان